

نقش واسطه‌ای حرمت خود در رابطه بین جهت‌گیری‌های دلبستگی و سازگاری روان‌شناختی

The Mediating Role of Self-Esteem in the Relationship Between Attachment Orientations and Psychological Adjustment

Narges Attaran
MA in Clinical Psychology
Shiraz University

Noralla Mohammadi, PhD
Clinical Psychology
Shiraz University

نوراله محمدی
استاد روان‌شناسی بالینی
دانشگاه شیراز

نرگس عطاران
کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی
دانشگاه شیراز

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین ارتباط بین جهت‌گیری‌های دلبستگی با ابعاد سازگاری با نقش واسطه‌ای حرمت خود انجام شد. روش پژوهش همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود و جامعه آماری همه دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر شهر شیراز بودند. ۲۲۵ دانش‌آموز (۱۰۲ دختر، ۱۲۳ پسر) با استفاده از روش نمونه‌برداری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارها شامل سیاهه دلبستگی به والدین و همسالان (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷)، سیاهه سازگاری بل (۱۹۶۱) و مقیاس حرمت خود روزنبرگ (۱۹۶۵) بود. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد که دلبستگی به مادر و همسالان به طور مستقیم توانایی پیش‌بینی حرمت خود و دلبستگی به مادر به طور مستقیم توانایی پیش‌بینی ابعاد سازگاری در خانه و سازگاری اجتماعی را دارد. همچنین دلبستگی به پدر به طور مستقیم توانایی پیش‌بینی سازگاری در خانه و سازگاری عاطفی و دلبستگی به همسالان نیز به طور مستقیم توانایی پیش‌بینی سازگاری اجتماعی و همچنین حرمت خود روابط معنادار با همه ابعاد سازگاری دارد. دیگر یافته‌ها نشان داد که حرمت خود در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی با سازگاری روان‌شناختی نقش واسطه‌ای دارد. بنابراین می‌توان گفت سبک‌های دلبستگی و حرمت خود دو مولفه مهم در پیش‌بینی سازگاری نوجوانان است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، سازگاری روان‌شناختی، حرمت خود، نوجوانان

Abstract

The aim of this research was to examine the relationship between attachment and adjustment with the mediating role of self-esteem. Our research method was correlational research based on path analysis method. The statistical population were consisted of 225 students of Shiraz high schools (102 female and 123 male) that were chosen by multistage sampling. The means were the Inventory of Parent and Peer Attachment (Armesden & Greenberg, 1987), Bell Adjustment Inventory (1961) and Rosenberg Self-Esteem Scale (1965). For data analysis we used path analysis. The results showed that attachment to mother and peer effectively predict self-esteem. Attachment to mother directly predicted subscales of home and social adjustment. Also, attachment to father could directly predict the affectional adjustment as well as home adjustment, and Peer attachment predicted directly the social adjustment. Furthermore, self-esteem had significant relationships with other dimensions of adjustment. Other findings revealed the mediating role of self-esteem on the relationship between attachment style and psychological adjustment. So, it can be concluded that attachments style and self-esteem, are two important components in prediction of adjustment in adolescents.

Keywords: adolescent, attachment styles, self-esteem, psychological adjustment

received: 15 May 2018

accepted: 19 December 2018

Contact information: mehr.aean@yahoo.com

دریافت: ۹۷/۰۲/۲۴

پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۷

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز است.

مقدمه

خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین و اولین واحد عاطفی و شبکه روابط درهم‌تنیده‌ای است که نقش مهمی در سلامت و سعادت فرد و جامعه دارد. انسان در این نهاد معمولاً امن، هم‌زمان با ارضای نیازهای جسمانی، شناختی و عاطفی، نقش خاص خود را برای زندگی فردی و اجتماعی و برقراری روابط عاطفی^۱ با دیگر افراد ایفا می‌کند (دلانی، ۲۰۱۶؛ مارکوبی و مارتین، ۱۹۸۳؛ نوویلا، بارنز، دلاکروز، ویلیامز و روجرز، ۲۰۰۶). امنیتی که این نهاد برای تک‌تک اعضای خانواده ایجاد می‌کند، عامل مهمی در متمایز کردن این نهاد از سایر نهادهای اجتماعی است. درحقیقت امنیت بستر مساعدی است که برای شکل‌گیری دلبستگی^۲ بین اعضای خانواده و به‌خصوص بین والدین و فرزندان حیاتی است تا در سایه دلبستگی ایمن^۳ ایجادشده فرزندان تحول یابند و به ارزیابی‌های مناسب از خود دست یابند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۸؛ آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷).

دلبستگی پیوند عاطفی عمیقی است که با افراد خاص زندگی برقرار و باعث می‌شود فرد از تعامل با آنان لذت ببرد و در مواقع تنیدگی از نزدیکی به آن‌ها احساس آرامش کند (گنجی، تعاونی، احدی و حسینی، ۱۳۸۷). فرض بنیادین جان بالبی در نظریه معروف دلبستگی این است که کیفیت روابط دلبستگی ناشی از روابط متقابل بین نوزاد و مراقبان است و به‌خصوص درجه‌ای از آن که نوزادان می‌توانند به منبع دلبستگی، به‌عنوان منبع امنیت و حمایت، تکیه کنند. مراقبان حساس که مداوم به نیازهای نوزاد پاسخ می‌دهند، به احتمال زیاد دلبستگی ایمن در فرزندانشان ایجاد می‌کنند (عمرانیان و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۱). همه این نکات، بر وجود رابطه روشن بین دلبستگی و سازگار شدن با محیط عاطفی و اجتماعی یا احساس آرامش و رضایت درونی دلالت دارد (اینشورث، ۱۹۸۹؛ وودوارد و دیگران، ۲۰۱۳). به‌طور خلاصه، دلبستگی در طول سال‌های زندگی از کودکی تا بزرگسالی بر میزان سازگاری روان‌شناختی^۴ افراد مؤثر است (لایبل، کارلو و رافائل، ۲۰۱۷؛ مرادی، حسین‌چاری، سلیمانی و دهقانی‌زاده، ۱۳۹۱؛ مویدفر، آقامحمدیان و طباطبایی، ۱۳۸۶؛ هاشمی و جوکار،

۱۳۹۲). اگر فرد گرمی و عشق را تجربه کند، احساس امنیت می‌کند و به شیوه بهنجار تحول می‌یابد. درواقع اگر فردی واقعاً دوست داشته شود (دلبسته ایمن) می‌تواند در آینده مشکلات را تحمل کند (سازگاری روان‌شناختی). این سازگاری به معنی سازگار شدن با چالش‌های جسمانی، اجتماعی و عاطفی است که در بعضی مواقع موجب اختلال در کیفیت زندگی می‌شود (چری، فلچر و اوسولیوان، ۲۰۱۳). اگر سازگاری روان‌شناختی را تمایلات انگیزشی، ادراکی، شناختی و عاطفی فرد برای پاسخ‌دهی و رفتارهای مشهود واقعی در پاسخ به شرایط زندگی تعریف کنیم، پذیرش و رد والدین که کودک درک کرده است، اثرات دائم بر سازگاری روان‌شناختی کودک دارد، به‌ویژه زمانی که کودکان پدر و مادرشان را گرم و صمیمی درک نکنند، سازگاری روان‌شناختی ضعیفی خواهند داشت (کیم و روهنر، ۲۰۰۸).

از سویی حرمت‌خود^۵ مناسب فرزندان نیز نقش مهمی در سلامت روان‌شناختی و موفقیت‌های این افراد دارد، چرا که نهایتاً بر سازگاری روان‌شناختی مورد نیاز آنان در راه رسیدن به زندگی موفق اجتماعی تأثیر می‌گذارد (مان، هوسمان، شالما و دورایز، ۲۰۰۴). سه عامل دلبستگی، حرمت‌خود و سازگاری روان‌شناختی مانند زنجیره پیوسته از تولد تا بزرگسالی تأثیرات مهمی بر کیفیت رشد سالم کودکان می‌گذارد (لایبل، کارلو و روش، ۲۰۱۷). حرمت خود مفهومی است که ارزش فرد را در نظر خود او می‌سنجد (گنگنی، بینلی و وازسونیا، ۲۰۱۶). حرمت‌خود نشانه ارزش و احترامی است که شخص برای خود قائل است و قضاوت فرد در مورد خود مبنای اصلی افکار، احساسات و بازخوردهای رفتاری اوست. حرمت‌خود بر شناخت، انگیزش، هیجانات و رفتار انسان تأثیر مثبت می‌گذارد. از دیدگاه هارتر (۱۹۹۰) حرمت‌خود به ارزیابی اولیه فرد از خودش مربوط می‌شود. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) حرمت‌خود را ارزشیابی فرد از خود یا قضاوت شخص در مورد ارزش خود می‌داند. پژوهش‌ها نشان داده است که بین حرمت‌خود و سازگاری و سلامت روان‌شناختی رابطه وجود دارد و افرادی که حرمت خود بیشتری دارند، هیجانات منفی^۶ کمتری را تجربه می‌کنند (مک‌میلان و هرن، ۲۰۰۸). همچنین نتایج

1. romantic relationship
2. attachment

3. secure attachment
4. psychological adjustment

5. self steem
6. distress

همسالان منحرف و موجب بروز مشکلات و انحراف‌های رفتاری شود (بال، ۲۰۰۵).

طبق نظریه بالبی (۱۹۸۰) نوع رابطه مراقب-کودک در سال‌های اولیه زندگی و میزان قابلیت دسترسی کودک به مراقب و میزان حمایت او هنگام احساس خطر در محیط و تکیه‌گاه ایمن بودن مراقب برای کاوش محیط، سبک دلبستگی خاص هر فرد را به وجود می‌آورد (فینی و نولر، ۱۹۹۶؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷). اگرچه در همه افراد در دوران کودکی نوعی سبک دلبستگی شکل می‌گیرد، این باور وجود دارد که تفاوت‌های فردی در دلبستگی مستقیماً بر اساس رفتارهای مراقبتی اشکال دلبستگی^۱ و نه بر اساس خود کودک تعیین می‌شود (بارنت و کلمنتر، ۲۰۰۴). این اهمیت روابط باکیفیت والد و فرزند را بیشتر نشان می‌دهد. مشکل دیگری که دلبستگی نایمن به والدین برای نوجوان ایجاد می‌کند این است که در سنین نوجوانی احتمال گرایش به رفتارهای پرخطر مانند استفاده از مواد روان‌گردان یا رفتارهای پرخطر جنسی بالا می‌رود. تاکنون پژوهش‌های بسیار نشان داده است که تأیید نشدن نوجوان در خانواده و نداشتن رابطه عاطفی سالم والد-فرزندی، گرایش نوجوانان را به رفتارهای پرخطر بیشتر می‌کند. از سوی دیگر دلبستگی نایمن نهایتاً به شکل‌گیری شخصیتی منجر می‌شود که مشخصه آن بی‌اعتمادی، شکنندگی و مشکلاتی در زمینه‌های مربوط به همدردی با دیگران، حساسیت، خشودگی و ارضای هیجانی در روابط عاطفی نزدیک است. پژوهش‌ها در این زمینه رابطه منفی معنادار را بین دلبستگی به والدین و بروز رفتارهای خرابکارانه فرزندان گزارش کرده‌اند (ورشوئرن و مارکوئن، ۲۰۰۲؛ رویین و دیگران، ۲۰۰۴؛ گالن و رابینسون، ۲۰۰۵). اما نوجوانانی که دلبستگی ایمن در سال‌های کودکی داشته‌اند دوران نوجوانی را با سلامت بیشتر می‌گذرانند (گلمن، ۱۹۹۵). افراد با دلبستگی ایمن حس دوست داشته شدن را توسعه می‌دهند و جهان را برای کشف کردن ایمن تلقی می‌کنند. نزدیکی به مراقبان از طریق فرایندهای دلبستگی مثبت فرد را از خطر حفظ می‌کند و با کاهش اضطراب و تهدید، به او اجازه می‌دهد رشد کند و اعتلا یابد (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). در واقع افراد دلبسته ایمن برای فهم احساسات دیگران احساس امنیت می‌کنند،

پژوهش‌ها نشان داده است که هسته حرمت خود افراد بر اثر ارتباط آن‌ها با دیگران و پیوند دلبستگی آن‌ها با اطرافیان نزدیک شکل می‌گیرد (تیلور و براون، ۱۹۸۸).

بی‌گمان انسان در هر جامعه‌ای به همزیستی سالم و سازنده با هم‌نوعان خود نیازمند است (اینشورث، ۱۹۸۹). انسان‌ها با هم در سنین مختلف تعاملات متفاوتی دارند، در این بین همراهی و تعامل با نوجوانان همواره در جوامع خصوصاً جوامع پیچیده‌تر دچار اشکال بوده است. استانلی هال^۱، مؤسس انجمن روان‌شناسی آمریکا، نوجوانی را دوران «طوفان و تنش شدید» و نیز دوران توانایی فوق‌العاده جسمانی، عقلی و عاطفی دانسته است. اما به نظر می‌رسد با پیشرفت فناوری اهمیت نوجوانی بیشتر شده است، زیرا با دسترسی نوجوانان به علوم و سنت‌های کشورهای مختلف و حتی ادیان مختلف با عقاید بسیار گوناگون، فرایند هویت‌یابی و انتخاب راه و روش برای همه عمر برای جوانان بسیار پیچیده شده و خود به خود نوجوانان در انتخاب مسیر بیشتر دچار سرگردانی می‌شوند و در نتیجه بیش از پیش احساس فشار می‌کنند (دلانی، ۲۰۱۶). از سویی از آنجا که والدین در دهه‌های اخیر به دلایل مختلف از جمله تعداد کمتر فرزندان تمایل بیشتر به کمال‌گرایی^۲ در فرزندپروری دارند، بعضاً با زیر ذره‌بین گذاشتن رفتارهای فرزند نوجوان خود مشکلاتی هم برای نوجوان و هم برای خود ایجاد می‌کنند (دلانی، ۲۰۱۶). با اینکه دلبستگی نوجوانان به همسالان روندی سالم در جهت رشد استقلال عمل^۳ و عواطف نوجوانان است، اما اهمیت دلبستگی نوجوان در این سنین بحرانی به والدین هم بر همگان روشن است. نوجوانی که دلبستگی کمتر به خانه و دلبستگی بیشتر به دوستان همسال خود دارد به احتمال کمتر مسائل خود را با والدینش مطرح می‌کند و از صلاح‌دید و دلسوزی مفید آنان بهره کمتری می‌برد (ایندریبتزن-پیساروک، کلارک و سالانو، ۱۹۹۲). در مقابل، وی بیشتر وقت خود را با همسالانی می‌گذراند یا از دوستانی مشورت می‌جوید که از لحاظ تحولی بیش از خود وی نیستند و احتمال خطا در تصمیم‌گیری‌هایشان بیشتر است. پیوند ضعیف با والدین ممکن است موجب همراه شدن فرد با

1. Hall, S.

2. perfectionist

3. autonomy

4. attachment figures

همدردی^۱ بیشتر نشان می‌دهند و برای کمک کردن به سایرین، بدون هیچ‌گونه نگرانی بیش‌ازحد دربارهٔ هزینه‌های عاطفی و فردی این کار، احساس امنیت می‌کنند (گنگنی و دیگران، ۲۰۱۶).

در این پژوهش به این مسائل پرداخته‌ایم که چگونه مشکلات دلبستگی به شکل‌گیری ساختارهای نامناسب در زمینهٔ حرمت‌خود نوجوانان منجر می‌شود و این موضوع چه ارتباطی با وجود یا نبود رفتارهای پرخطر در نوجوانان دارد و این رفتارها را کدام‌یک از متغیرهای این پژوهش (دلبستگی، حرمت‌خود) بهتر ارزیابی می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده است که حرمت‌خود کودکان با سبک دلبستگی آن‌ها مرتبط است. به این شکل که دلبستگی ایمن در فرزندان ارتباط مستقیم با داشتن خودپنداشت قوی‌تر در آنان دارد (صفایی، بیگدلی و طالع‌پسند، ۱۳۹۰؛ مک‌کارتی، ۱۹۹۹). موضوع مهم دیگر این است که این متغیرها چگونه بر سازگاری روان‌شناختی نوجوان تأثیر می‌گذارد. سازگاری روان‌شناختی به فرد امکان می‌دهد به درک این حقیقت برسد که باید اهدافش را با در نظر گرفتن چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی محیطش تعیین کند. فردی سازگار است که پاسخ‌هایی برای تعامل با محیط آموخته باشد و به طریق پذیرفتنی با اعضای جامعهٔ خود رفتار کند تا نیازهایش ارضا شود. افراد در موقعیت‌های اجتماعی خاص خود را به طرق مختلف تطبیق می‌دهند یا سازگار می‌کنند (ونگ، ۲۰۱۲؛ ماهالیک و دیگران، ۲۰۱۳). هدف از این پژوهش شناخت روابطی است که در نهایت به وضعیت بهتر سازگاری نوجوانان در جامعه منجر می‌شود. بنابراین، فرضیهٔ این پژوهش به این صورت مطرح می‌شود که حرمت خود در رابطهٔ بین جهت‌گیری دلبستگی و سازگاری روان‌شناختی نوجوانان نقش واسطه‌ای دارد. در شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش آمده است.

روش

این پژوهش از نوع همبستگی بود و در آن با استفاده از تحلیل مسیر روابط علی بین متغیرها بررسی شد. در این پژوهش سازگاری روان‌شناختی متغیر درون‌زا، دلبستگی متغیر برون‌زا و حرمت‌خود متغیر واسطه و جامعهٔ آماری آن همهٔ دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بود، که از میان آنان با استفاده از فرمول کوکران، ۲۲۵ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر (پایهٔ اول تا پیش‌دانشگاهی) با استفاده از روش نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای به عنوان مشارکت‌کنندگان در پژوهش انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا از بین چهار ناحیه دو ناحیه و از میان آن دو ۱۰ مدرسه و از هر مدرسه دو کلاس به تصادف انتخاب شدند و همهٔ اعضای کلاس‌های منتخب به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان ۱۵/۸۰ سال و انحراف استاندارد آن ۰/۶۳ بود. در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها آمده است.

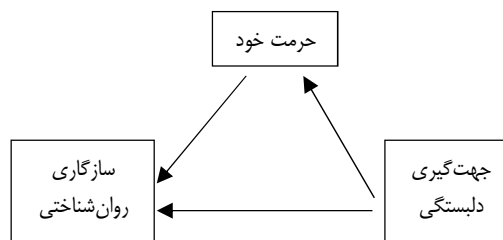
جدول ۱

اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

متغیرها	سطوح	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	دختر	۱۰۲	۴۵/۳
	پسر	۱۲۳	۵۴/۷
	کل	۲۲۵	۱۰۰
پایهٔ تحصیلی	پایهٔ اول	۶۴	۲۶/۶
	پایهٔ دوم	۳۰	۱۲/۴
	پایهٔ سوم	۳۶	۱۴/۹
	پیش‌دانشگاهی	۸۷	۳۶/۱
	مشخص نشده	۸	۱۰/۰
کل	۲۲۵	۱۰۰	

سیاههٔ دلبستگی به والدین و همسالان^۲ (آرمسدن و

گرینبرگ، ۱۹۸۷). این سیاهه برای ارزیابی ادراک نوجوان از ابعاد شناختی و عاطفی مثبت و منفی رابطه با والدین و دوستان نزدیک ۷۵ ماده و سه مقیاس دلبستگی به مادر، دلبستگی به پدر و دلبستگی به همسالان دارد که هر کدام با ۲۵ ماده سنجیده می‌شود. هر یک از سه مقیاس سه زیرمقیاس، شامل اعتماد^۳، ارتباط^۴ و بیگانگی^۵،



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

1. empathy

2. Inventory of Parent and Peer Attachment

3. trust

4. connection

5. alieation

سیاهه سازگاری بل^۱ (۱۹۶۱). این سیاهه شامل ۹۶ ماده است که سازگاری افراد را در ابعاد هیجانی، اجتماعی، تحصیلی، جسمانی، در خانه و کلی می‌سنجد (بل، ۱۹۶۱). ماده‌های سیاهه با انتخاب یکی از سه گزینه بلی، خیر و نمی‌دانم پاسخ داده می‌شود. نمره‌گذاری ماده‌ها، طبق جدول هنجار شده انجام می‌گیرد، به این شکل که برای هر پاسخ صحیح نمره یک و برای هر پاسخ غلط نمره صفر در نظر گرفته و به گزینه نمی‌دانم هم نمره‌ای داده نمی‌شود. نمره سازگاری فرد مجموع امتیازهایی است که از همه ماده‌ها به دست آمده است. بل (۱۹۶۱) در بررسی مردان و زنان در دامنه سنی نوجوانی تا جوانی ضرایب اعتبار سیاهه را با روش آلفای کرونباخ به این شکل به دست آورده است: سازگاری هیجانی ۰/۹۱، سازگاری اجتماعی ۰/۸۸، سازگاری تحصیلی ۰/۸۵، سازگاری جسمانی ۰/۸۱، سازگاری در خانه ۰/۹۱ و سازگاری کلی ۰/۹۴. دلاور (۱۳۷۳) با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی، روایی سازه سیاهه را تأیید کرده است. آقاپورحصیری (۱۳۹۳) ضرایب اعتبار دونیمه کردن را برای زیرمقیاس‌های سازگاری عاطفی ۰/۹۴، سازگاری اجتماعی ۰/۹۳ و سازگاری کل ۰/۹۵ گزارش کرده است. همچنین برقی ایرانی، بختی و بگیانکوله مرز (۱۳۹۵) تاکید کرده‌اند که این سیاهه روایی تفکیکی مناسب برای جداسازی افراد نورو تیک و بهنجار دارد. در این پژوهش از زیرمقیاس سازگاری در خانه، سازگاری عاطفی و سازگاری اجتماعی به دلیل ارتباط مفهومی با دیگر متغیرهای پژوهش استفاده شد، و در بررسی اعتبار ضریب آلفای کرونباخ آن‌ها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۳ و ۰/۸۸ به دست آمده است.

مقیاس حرمت خود روزنبرگ^۲ (۱۹۶۵). این مقیاس که حرمت خود کلی و ارزش شخصی را اندازه می‌گیرد، شامل ۱۰ ماده و پاسخ به هر ماده آن شامل یک مقیاس چهارگزینه‌ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است که در دامنه‌ای از صفر تا ۳ مرتب شده است. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس برای ماده‌های ۱ تا ۵، به صورت کاملاً مخالفم= صفر، مخالفم=۱، موافقم=۲ و کاملاً موافقم=۳ و برای ماده‌های ۶ تا ۱۰، برعکس (کاملاً موافقم= صفر و کاملاً مخالفم=۳) است. بدین ترتیب نمره بالاتر بیانگر حرمت خود بیشتر است. روزنبرگ در سال ۱۹۶۵ اعتبار و روایی مقیاس را محاسبه کرد و ضرایب آلفای کرونباخ برای این مقیاس در نوبت اول ۰/۸۷ برای

دارد (گرنبرگ، ۲۰۰۲). زیرمقیاس‌های اعتماد (احساس امنیت براساس پاسخ‌دهی والدین و همسالان به نیازهای هیجانی آن‌ها)، ارتباط (کمیت و کیفیت ارتباط کلامی با والدین و همسالان) و بیگانگی (احساس بیگانگی، بی‌توجهی و انزوا) هم در رابطه نوجوانان با والدین و هم در رابطه آن‌ها با همسالان نشان سنجیده می‌شود. همه گزینه‌ها برای زیرمقیاس بیگانگی به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. نمره‌گذاری هر سه مقیاس به طور مستقل انجام می‌شود. نمرات دل‌بستگی کل برای پدر و مادر، بعد از اینکه گزینه‌های ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۱۸ و ۲۳ به طور معکوس نمره‌گذاری شد، جمع همه گزینه‌هاست. نمره دل‌بستگی کل به همسالان بعد از اینکه گزینه‌های ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۸، ۲۲ و ۲۳ به طور معکوس نمره‌گذاری شد، جمع همه گزینه‌هاست. نمره بالاتر در هر یک از زیرمقیاس‌ها نشان‌دهنده دل‌بستگی بیشتر است. آرمسدن و گرنبرگ (۱۹۸۷) اعتبار بازآزمایی مقیاس را در فاصله سه هفته روی نمونه‌ای شامل ۲۷ نوجوان ۱۸ تا ۲۰ ساله برای مقیاس دل‌بستگی به والدین ۰/۹۳ و برای مقیاس دل‌بستگی به همسالان ۰/۸۶ گزارش کردند. ضرایب آلفای کرونباخ این مقیاس هم برای مقیاس‌های دل‌بستگی به مادر، دل‌بستگی به پدر و دل‌بستگی به همسالان به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۹۲ گزارش شده است (آرمسدن و گرنبرگ، ۱۹۸۷). اعتبار و روایی این سیاهه را در ایران نصرتی (۱۳۸۳) بررسی کرده و ضریب آلفای کرونباخ را برای مقیاس‌های دل‌بستگی به مادر، دل‌بستگی به پدر و دل‌بستگی به همسالان به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۳ و ۰/۹۲ به دست آورده و برای روایی نیز، از طریق محاسبه همبستگی این سه مقیاس با آزمون‌های معتبر دیگر، به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۰ و ۰/۸۲ به دست آورده است. در پژوهش افشاریان و کدیور (۱۳۹۵) ضریب همسانی درونی به ترتیب برای مقیاس‌های دل‌بستگی به مادر، پدر و همسالان ۰/۹۰، ۰/۹۲ و ۰/۸۹ به دست آمده که نشان‌دهنده اعتبار مطلوب این مقیاس است. در این پژوهش برای بررسی اعتبار سیاهه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و دل‌بستگی به مادر ۰/۹۳، دل‌بستگی به پدر ۰/۹۳ و دل‌بستگی به همسالان ۰/۸۸ به دست آمد. این نتایج اعتبار مطلوب سیاهه دل‌بستگی به والدین و همسالان را نشان می‌دهد.

آوردند. ضرایب همبستگی هر یک از ماده‌های مقیاس با نمره کل از ۰/۵۶ تا ۰/۷۲ متغیر و همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. محمدی (۱۳۸۴) اعتبار این مقیاس را با سه روش آلفای کرونباخ، بازآزمایی و دونیمه کردن به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۸ و ۰/۶۸ و روایی همزمان آن را مناسب گزارش کرده است. در پژوهش دیگری روایی این مقیاس براساس محاسبه همبستگی بین حرمت خود و سرسختی^۵ برابر با ۰/۴۶ و اعتبار آن با محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۵ گزارش شده است (نعمت‌طاوسی و اکبرزاده‌حوری، ۱۳۹۱). ضرایب آلفای این مقیاس در این پژوهش برای پسران ۰/۸۸، برای دختران ۰/۸۷ و در کل ۰/۸۸ به دست آمد.

برای تحلیل داده‌ها و تعیین ضرایب مسیر در مدل پیشنهادی پژوهش (متغیر برون‌زا؛ سبک‌های دلبستگی؛ متغیر درون‌زا؛ ابعاد سازگاری و متغیر واسطه‌ای: حرمت خود) از روش تحلیل مسیر استفاده شد. برای تعیین برازش مدل از دو شاخص برازندگی مطلق^۱ (نیکویی برازندگی و نیکویی برازندگی تعدیل‌یافته^۲)، چهار شاخص برازندگی تطبیقی^۳ (توکر-لوئیس، برازندگی هنجار شده، برازندگی افزایشی و برازندگی تطبیقی) و دو شاخص برازندگی مقتصد^۴ (خی‌دو هنجار شده و ریشه دوم واریانس خطای تقریب) استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش در جدول ۲ آمده است.

مردان و ۰/۸۶ برای زنان و در نوبت دوم ۰/۸۸ برای مردان و ۰/۸۷ برای زنان به دست آمد. وی ضرایب اعتبار بازآزمایی را در فاصله زمانی ۶ ماه در دامنه ۰/۸۲ تا ۰/۸۸ و ضرایب همسانی درونی یا آلفای کرونباخ را در دامنه ۰/۷۷ تا ۰/۸۸ گزارش کرده است. روایی مقیاس نیز در پژوهش مک‌کوربی و کلی (۱۹۹۷) از طریق همبستگی با پرسشنامه حرمت خود کوپراسمیت بررسی شد و ضرایب ۰/۶۸ به دست آمد. این مقیاس همبستگی بالایی با پرسشنامه ملی نیویورک و گاتمن در سنجش حرمت خود دارد، از این رو روایی محتوایی آن نیز تأیید می‌شود. گرینبرگ (۲۰۰۲) در بررسی ۱۹۷ دانشجوی همسانی درونی این مقیاس را ۰/۸۴ و ضرایب اعتبار بازآزمایی آن را برای ۷۸ دانشجو (با فاصله زمانی دو هفته) ۰/۸۴ و برای ۸۲ دانشجو (با فاصله زمانی پنج ماه) ۰/۶۷ و برای ۸۱ دانشجو (با فاصله زمانی یک سال) ۰/۶۲ گزارش کرد که همگی معنادار بود. محمدی، جزایری، رفیعی، جوکار و پورشهباز (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی نشان دادند که همبستگی مقیاس حرمت خود روزنبرگ با مقیاس حرمت خود کوپراسمیت ۰/۶۱ است. آنان ضرایب آلفای کرونباخ و دونیمه‌سازی مقیاس روزنبرگ را برای دانشجویان دانشگاه شیراز ۰/۶۹ و ۰/۶۸ و ضرایب بازآزمایی مقیاس را با فاصله زمانی شش ماهه معنادار گزارش کردند. رجیبی و بهلول (۱۳۸۶) نیز در بررسی مقطعی ۱۲۹ دانشجوی سال اول ساکن خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه شهید چمران، ضرایب همسانی درونی را در کل نمونه دانشجویی ۰/۸۴، در دانشجویان پسر ۰/۸۷ و در دانشجویان دختر ۰/۸۰ به دست

جدول ۲

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. دلبستگی به مادر	۹۵/۳۲	۱۸/۲۱	-					
۲. دلبستگی به پدر	۸۸/۶۰	۱۹/۰۵	۰/۶۵*	-				
۳. دلبستگی به همسالان	۸۸/۸۳	۱۵/۰۸	۰/۱۹*	۰/۲۳*	-			
۴. حرمت خود	۵/۴۰	۴/۵۴	۰/۳۹*	۰/۳۴*	۰/۲۸*	-		
۵. سازگاری در خانه	۱۷/۹۶	۶/۳۸	۰/۶۷*	۰/۶۴*	۰/۲۳*	۰/۴۷*	-	
۶. سازگاری عاطفی	۱۵/۲۱	۶/۶۱	۰/۳۸*	۰/۴۲*	۰/۲۵*	۰/۴۷*	۰/۶۰*	-
۷. سازگاری اجتماعی	۱۶/۴۱	۶/۲۲	۰/۲۸*	۰/۲۰*	۰/۳۰*	۰/۳۶*	۰/۳۳*	۰/۴۷*

*P < ۰/۰۱

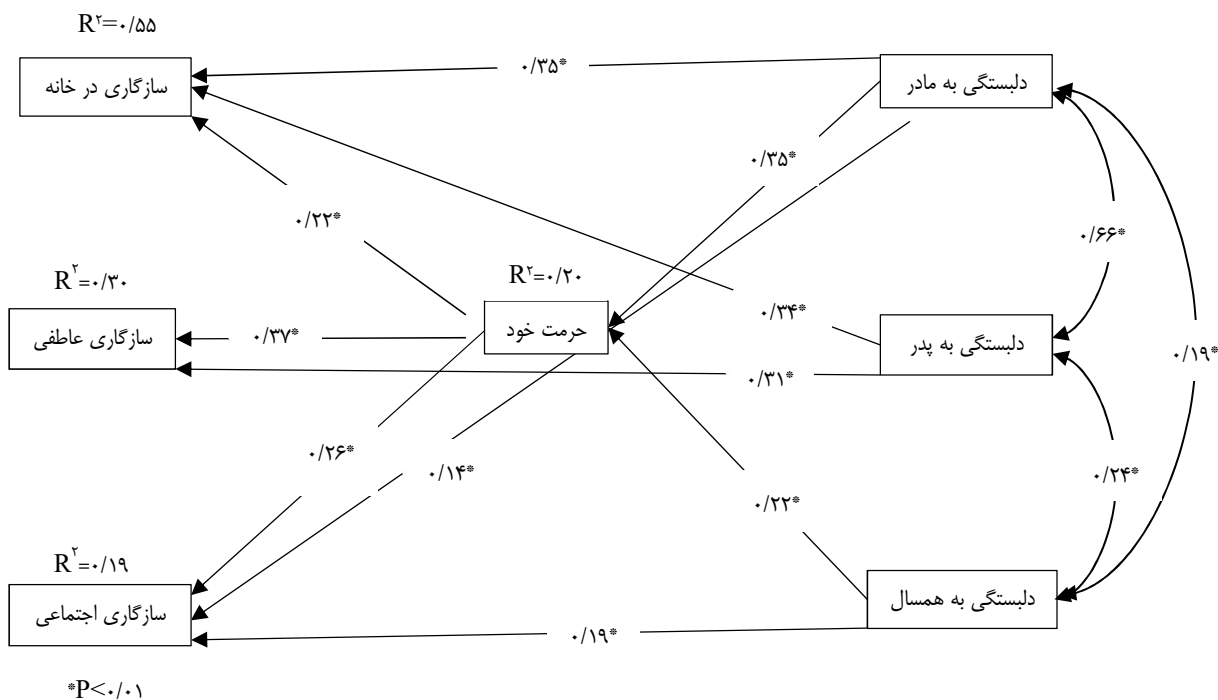
قبل از اصلاح و بعد از اصلاح در جدول ۳ آمده است. شاخص‌های برازندگی پس از اصلاح برازش مطلوب مدل را نشان داد. مقدار نسبت‌خی دو بر درجه آزادی بعد از اصلاح مدل (۱/۲۹)، در فاصله مناسب برازش (۱ تا ۳؛ کلاین، ۲۰۱۵) قرار دارد. شاخص‌های GFI و AGFI به ترتیب برابر ۰/۹۹ و ۰/۹۵ (مقدار مناسب: بزرگ‌تر از ۰/۹؛ کلاین، ۲۰۱۵). شاخص‌های برازندگی تطبیقی CFI، NFI، IFI و TLI، به ترتیب ۰/۹۹، ۰/۹۸، ۰/۹۹ و ۰/۹۸ (مقدار مناسب: بزرگ‌تر از ۰/۹؛ کلاین، ۲۰۱۵). شاخص RMSEA برابر ۰/۰۳ (مقدار مناسب: کمتر از ۰/۰۸؛ کلاین، ۲۰۱۵) بود و فاصله اطمینان ۹۰ درصد برای آن مرزهای ۰/۰۴ تا ۰/۰۶ را نشان داد. همچنین مقدار PCLOSE برای این شاخص برابر ۰/۵۶ به دست آمد (مقدار مناسب: بزرگ‌تر از ۰/۰۵؛ کلاین، ۲۰۱۵).

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین همه متغیرهای پژوهش همبستگی مثبت معنادار در سطح $P < 0.01$ وجود دارد. در ادامه به منظور بررسی مدل پژوهش و روابط بین متغیرهای آن، شامل ابعاد دلبستگی (دلبستگی به مادر، پدر و همسالان)، حرمت خود و ابعاد سازگاری (سازگاری در خانه، عاطفی و اجتماعی) از روش تحلیل مسیر استفاده شد (شکل ۲).

در مرحله نخست کلیت مدل (با استفاده از شاخص‌های برازندگی کلی) و در مرحله دوم وزن‌های رگرسیون مربوط به مسیرهای موجود در مدل (اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل) تحلیل شد. برای تعیین برازش کلی مدل ابتدا شاخص‌های برازندگی در نظر گرفته و سپس برای دستیابی به برازش بهتر مدل مسیر غیر معنادار از مدل حذف و مدل دوباره تحلیل شد. شاخص‌های برازندگی مدل

جدول ۳
شاخص‌های برازش مدل قبل و بعد از اصلاح

شاخص	X ² /df	P	GFI	AGFI	TLI	NFI	IFI	CFI	RMSEA	PCLOSE
قبل از اصلاح مدل	۲۲/۱۶	۰/۰۰۰۱	۰/۹۲	۰/۲۸	۰/۱۹	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۸۸	۰/۳۰	۰/۰۰۱
بعد از اصلاح مدل	۱/۲۹	۰/۲۵۷	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۳	۰/۵۶



شکل ۲. مدل نهایی و آزمون شده پژوهش

جدول ۵

برآورد اثر غیرمستقیم در مدل تحلیل مسیر با استفاده از بوت‌استرپ

سطح معناداری	مقدار استاندارد	حد پایین	حد بالا	اثر غیرمستقیم در مدل
۰/۰۰۱	۰/۱۳	۰/۰۸	۰/۱۹	دلبستگی به مادر بر سازگاری عاطفی
۰/۰۰۲	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۱۱	دلبستگی به مادر بر سازگاری در خانه
۰/۰۰۱	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۱۴	دلبستگی به مادر بر سازگاری اجتماعی
۰/۰۰۲	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۱۴	دلبستگی به همسالان بر سازگاری عاطفی
۰/۰۰۳	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۸	دلبستگی به همسالان بر سازگاری در خانه
۰/۰۰۲	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۱۰	دلبستگی به همسالان بر سازگاری اجتماعی

در جدول ۶ اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش آمده است. در مجموع با توجه به نتایج تحلیل‌ها می‌توان گفت حرمت خود در رابطه بین ابعاد دلبستگی (دلبستگی به مادر و دلبستگی به همسالان) و ابعاد سازگاری (سازگاری در خانه، سازگاری عاطفی و سازگاری اجتماعی) نقش واسطه‌ای دارد و این مدل توانسته، با متغیرهای ابعاد دلبستگی و حرمت خود، ۵۵ درصد از واریانس سازگاری در خانه، ۳۰ درصد از واریانس سازگاری عاطفی و ۱۹ درصد از واریانس سازگاری اجتماعی را تبیین کند.

جدول ۶

اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش

مسیرها	اثر مستقیم غیرمستقیم	اثر کل	درصد واریانس تبیین‌شده
به حرمت خود از:	دلبستگی به مادر	۰/۳۵*	۰/۳۵*
	دلبستگی به همسالان	۰/۲۳*	۰/۲۳*
به سازگاری در خانه از:	دلبستگی به مادر	۰/۳۵*	۰/۴۳*
	دلبستگی به همسالان	۰/۳۴*	۰/۴۳*
به سازگاری عاطفی از:	دلبستگی به مادر	۰/۳۱*	۰/۳۱*
	دلبستگی به همسالان	۰/۰۸*	۰/۰۸*
	حرمت خود	۰/۳۷*	۰/۳۷*
به سازگاری اجتماعی از:	دلبستگی به مادر	۰/۱۴*	۰/۱۳*
	دلبستگی به همسالان	۰/۱۹*	۰/۱۳*
	حرمت خود	۰/۲۶*	۰/۲۶*

*P < ۰/۰۱

نتایج تحلیل مدل پژوهش، یعنی اثرات مستقیم متغیرهای موجود در مدل و برآورد اثر غیرمستقیم، با استفاده از بوت‌استرپ^۱ (با فاصله اطمینان ۹۵ درصد)، در جدول ۴ و ۵ آمده است. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد متغیر دلبستگی به مادر اثر مستقیم و معنادار بر حرمت خود ($\beta=0/35, P<0/01$)، سازگاری در خانه ($\beta=0/35, P<0/01$) و سازگاری اجتماعی ($\beta=0/14, P<0/01$) و متغیر دلبستگی به پدر اثر مستقیم و معنادار بر سازگاری عاطفی ($\beta=0/31, P<0/01$) و سازگاری در خانه ($\beta=0/34, P<0/01$) دارد. از طرفی نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد متغیر دلبستگی به همسالان اثری مستقیم و معنادار بر حرمت خود ($\beta=0/22, P<0/01$) و سازگاری اجتماعی ($\beta=0/19, P<0/01$) و متغیر حرمت خود اثر مستقیم و معنادار بر سازگاری عاطفی ($\beta=0/37, P<0/01$)، سازگاری در خانه ($\beta=0/22, P<0/01$) و سازگاری اجتماعی ($\beta=0/26, P<0/01$) دارد.

جدول ۴

اثرات مستقیم متغیرهای مدل پژوهش

روابط متغیرها در مدل	B	β	S.E.	t	P
دلبستگی به مادر بر حرمت خود	۰/۰۸۸	۰/۳۵	۰/۰۱۵	۵/۸۳۸	<۰/۰۱
دلبستگی به همسالان بر حرمت خود	۰/۰۶۶	۰/۲۲	۰/۰۱۸	۳/۶۲۹	<۰/۰۱
حرمت خود بر سازگاری عاطفی	۰/۵۳۹	۰/۳۷	۰/۰۸۳	۶/۴۵۳	<۰/۰۱
حرمت خود بر سازگاری در خانه	۰/۳۰۲	۰/۲۲	۰/۰۶۸	۴/۴۷۱	<۰/۰۱
حرمت خود بر سازگاری اجتماعی	۰/۳۵۱	۰/۲۶	۰/۰۹۱	۳/۸۳۴	<۰/۰۱
دلبستگی به مادر بر سازگاری در خانه	۰/۱۲۲	۰/۳۵	۰/۰۲۰	۶/۰۹۸	<۰/۰۱
دلبستگی به پدر بر سازگاری عاطفی	۰/۱۰۷	۰/۳۱	۰/۰۱۹	۵/۵۰۹	<۰/۰۱
دلبستگی به پدر بر سازگاری در خانه	۰/۱۱۶	۰/۳۴	۰/۰۱۹	۶/۰۲۹	<۰/۰۱
دلبستگی به همسالان بر سازگاری اجتماعی	۰/۰۷۷	۰/۱۹	۰/۰۲۵	۳/۱۲۳	<۰/۰۱
دلبستگی به مادر بر سازگاری اجتماعی	۰/۰۴۷	۰/۱۴	۰/۰۲۲	۲/۱۷۹	<۰/۰۳۰

S.E. = خطای استاندارد

نتایج تحلیل مسیر با استفاده از دستور بوت‌استرپ در جدول ۵ نشان می‌دهد که دلبستگی به مادر و دلبستگی به همسالان، به واسطه حرمت خود، اثر غیرمستقیم و معنادار بر ابعاد سازگاری عاطفی، سازگاری در خانه و سازگاری اجتماعی دارد.

یکدیگر است (گنجی و دیگران، ۱۳۸۷). دلبستگی پیوندی عاطفی است که پناهگاهی امن برای کودک و نوجوان می‌سازد تا کودک با تکیه بر آن به کاوش بپردازد و بر چالش‌های محیط فائق آید. کودک با طی مراحل تحول این پناهگاه‌های بیرونی را درونی می‌کند و این احساس امنیت روانی را با خود علاوه بر محیط خانه به محیط‌های اجتماعی می‌برد و از آن برای بهره‌گیری از فرصت‌های اجتماعی و عاطفی استفاده می‌کند (چری و دیگران، ۲۰۱۳؛ اینثورت، ۱۹۸۹). از این طریق توان فرد برای رویارویی با چالش‌های خانوادگی، اجتماعی و عاطفی بیشتر و دلبستگی به پدر به بهبود سازگاری عاطفی فرد منجر می‌شود. در این پژوهش دلبستگی به مادر و دلبستگی به همسالان اثر مستقیم و مثبت بر سازگاری اجتماعی داشت. با توجه به اینکه دلبستگی شیوه‌ای است که برای مفهوم‌سازی و سنجش کیفیت روابط دوگانه به کار می‌رود و ویژگی بارز دلبستگی پیوند عاطفی بین دو فرد است که نوعی حس ایمنی روان‌شناختی ایجاد می‌کند (کاترل، ۱۹۹۲)، این یافته قابل دفاع است.

یافته دیگر پژوهش حاکی از آن بود که دلبستگی به مادر و دلبستگی به همسالان اثر مثبت و معناداری بر حرمت خود نوجوانان دارد. نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دلبستگی به مادر بر باورها و عقاید نوجوانان در برداشت و قضاوت و تصور از خود و نیز میزان شایسته دانستن خود نقش تعیین‌کننده دارد (عمرانیان و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۱). این یافته همسو با نتایج بررسی‌های لایبل، کارلو و رافائلی (۲۰۱۷)، گنگنی و دیگران (۲۰۱۶)، مرادی و دیگران (۱۳۹۱)، هاشمی و جوکار (۱۳۹۲) و مویدفر و دیگران (۱۳۸۶) است. در توجیه این یافته باید گفت دلبستگی ایمن (مادرانه) اساس دنیای قابل اعتماد، امن و پیش‌بینی‌پذیر برای فرزندان است و در چنین محیط پاسخگو و حساسی مادر به رفتار فرزندان پاسخ مورد انتظار می‌دهد و فرزند به این باور می‌رسد که می‌تواند بر محیط خویش تأثیر بگذارد و آن را کنترل کند. اینجاست که حرمت خود شکل می‌گیرد و فرد توانمندی‌هایش را باور می‌کند. کیم و رانر (۲۰۰۸) معتقدند والدین (خصوصاً مادر) بر حرمت خود نوجوانان تأثیرگذارند. برخورد همراه با درایت والدین با نوجوانان و جلوگیری به موقع از پیش‌دآوری درباره اعمال و رفتار آنان و طرح‌ریزی برخوردهای

هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه‌ای حرمت‌خود در رابطه بین ابعاد دلبستگی و سازگاری روان‌شناختی و یافته‌ها حاکی از این بود که دلبستگی به مادر بر سازگاری در خانه و سازگاری اجتماعی اثر مثبت معنادار و دلبستگی به پدر بر سازگاری در خانه و سازگاری عاطفی اثر مثبت معنادار و دلبستگی به همسالان بر سازگاری اجتماعی در نوجوانان اثر مثبت معنادار دارد. تأثیر دلبستگی به مادر بر ابعاد سازگاری فرزندان، اعم از سازگاری در خانه و سازگاری اجتماعی، نقش مهم مادر را نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش با بسیاری از پژوهش‌ها در این زمینه همسوست. پژوهش‌های دلبستگی نشان می‌دهد که اگر شیوه فرزندپروری مادر در چند ماه اول زندگی به صورتی باشد که فرزندش را دلبسته ایمن پرورش دهد، فرزند او بسیاری از مشکلات بزرگسالی مانند ناسازگاری زناشویی، طلاق، مشکل در برقراری ارتباط با دیگران و عقب‌افتادگی تحصیلی را نخواهد داشت (گنگنی و دیگران، ۲۰۱۶). این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که چرا در این پژوهش دلبستگی به مادر بر سازگاری نوجوان، هم در خانه هم در اجتماع، تأثیرگذار بوده است. در توجیه ارتباط دلبستگی به پدر و مادر و سازگاری در خانه باید گفت که خانواده نظام اجتماعی و طبیعی با ساختار عاطفی پیچیده است که محبت، وفاداری و تداوم عضویت از ویژگی‌های مهم آن است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۸) و نداشتن دلبستگی به والدین بر سازگار شدن با محیط خانه تأثیر می‌گذارد، زیرا سازگاری در خانه به معنی توانایی آمیزش، انطباق، مصالحه، همکاری و کنار آمدن با اعضای خانواده و انجام وظایف و مسئولیت‌های مربوط به خانه و شامل سازوکارهایی است که به فرد احساس امنیت و اعتماد به اعضای خانواده به خصوص والدین را می‌دهد و باعث می‌شود با آن‌ها ارتباط درست برقرار کند (ونگ، ۲۰۱۲).

این پژوهش نشان داد که بعد دلبستگی به پدر بر سازگاری عاطفی تأثیر مستقیم و دلبستگی به مادر و همسالان بر سازگاری عاطفی تأثیر غیرمستقیم دارد. در تبیین این یافته باید گفت اصولاً کاربرد نظریه دلبستگی در روان‌شناسی بررسی رابطه فرزند-والدین و وابستگی‌های اجتماعی-عاطفی انسان‌ها به

متناسب با آن‌ها باعث بالا رفتن خودارزیابی مثبت و احترام‌به‌خود در آنان می‌شود. نوجوانی که خود را هم در خانواده و هم در ارتباط با همسالان عضو بالارزشی می‌داند و از محبت و احترام کافی برخوردار است، در جوی با کیفیت روابط قوی تحول می‌یابد، ارزیابی مثبت‌تر از خود دارد و همین مسئله باعث افزایش حرمت خود وی نیز می‌شود (مویدفر و دیگران، ۱۳۸۶). نوجوانی که نزد همسالان خود فاقد جایگاه اجتماعی مطلوب باشد، تمایل به انزوا و تنهایی پیدا می‌کند و ارتباطات اجتماعی وی کاهش می‌یابد. همین حالت گوشه‌گیری و گریز از دیگران تا حد زیادی احساس بی‌کفایتی همراه با کاهش در حرمت خود را در فرد رشد می‌دهد (نجاریان و دیگران، ۱۳۸۰). ایندربیتزن-پیساروک و دیگران (۱۹۹۲) نشان دادند آزمودنی‌هایی که دوستی‌های متقابل و پذیرش همسالان باکیفیت‌تری داشتند، بیش از افرادی فاقد این دوستی‌ها در مقیاس حرمت خود نمره بالا کسب می‌کردند. نتایج کلارک و سالانو (۱۹۹۲) با نتایج این پژوهش همسوست. در مدل پژوهش حاضر دلبستگی به پدر بر حرمت خود تاثیر مستقیم نداشت. به نظر می‌رسد دلیل آن این است که نوجوانان در روند تحول خود اکثر وقت خود را بیرون از خانه با همسالان یا در خانه با مادر می‌گذرانند و ارتباط کمتر آن‌ها با پدر در تأثیرگذاری کم این نوع دلبستگی بر حرمت خود مؤثر است.

یکی دیگر از یافته‌ها حاکی از این است که حرمت خود بر همه ابعاد سازگاری (سازگاری در خانه، سازگاری عاطفی و سازگاری اجتماعی) اثر مثبت معنادار دارد. احتمالاً به این دلیل که برداشت‌ها و قضاوت‌های نوجوانان، میزان تأیید خویش و ارزش و احترامی که برای خود قائل هستند در چگونگی انجام وظایف، احترام به حقوق و قوانین اجتماعی و نیز برقراری رابطه متقابل مناسب با خانواده و دیگران و در ارتقای سازگاری نقش مهمی دارد. نتیجه این پژوهش با نتایج بررسی گنگنی و دیگران (۲۰۱۶) و طولابی و دیگران (۱۳۹۲) همخوانی دارد. در تبیین این یافته پژوهش می‌توان گفت حرمت خود بیشتر در فرد ایجاد حس اعتماد به خود می‌کند و این احساس باعث تطابق با موقعیت‌های سخت می‌شود. بنابراین هرچه حرمت خود نوجوانان بیشتر باشد ادراک هیجانی آن‌ها افزایش می‌یابد و سطح بالای

ادراک محرک‌های محیطی باعث افزایش توانایی برقراری روابط عاطفی و ابراز همدلی در فرد می‌شود. این وضعیت زمینه‌های درون‌روانی لازم را برای رسیدن به سازگاری اجتماعی و سازگاری در محیط خانه فراهم می‌آورد (گلمن، ۱۹۹۵). به سخن دیگر، حرمت خود نوجوانان باعث سازش بهتر آن‌ها با محیط و محرک‌های محیطی می‌شود.

از طرف دیگر یافته‌ها نشان داد که دلبستگی به مادر و دلبستگی به همسالان به واسطه حرمت خود اثرات غیرمستقیم و معنادار بر سازگاری در خانه، سازگاری عاطفی و سازگاری اجتماعی دارد. این یافته با یافته‌های بررسی گنگنی و دیگران (۲۰۱۶)، لیل و دیگران (۲۰۱۷) و مک‌کارتی (۱۹۹۹) در خصوص اثرات غیرمستقیم دلبستگی به مادر همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت یکی از منابع مهم خودارزیابی مثبت یا حرمت خود، ارتباط نزدیک با منبع مورد حمایت (مادر و همسالان) و اعتماد به خود و دیگران دو ویژگی اساسی افراد دلبسته ایمن است. اعتماد به خود باعث می‌شود افراد ایمن در ایجاد و حفظ ارتباطات نزدیک و صمیمانه با اطرافیان با مهارت و آرامش بیشتر رفتار کنند و ویژگی اعتماد به دیگران باعث می‌شود به تعاملات با دیگران نگرش مثبتی داشته باشند (مویدفر و دیگران، ۱۳۸۶). بنابراین بدیهی است فردی که خود و دیگران و ارتباط با آن‌ها را به شیوه مثبت تعریف کند، نزد دیگران بیشتر پذیرفته می‌شود و مورد تأیید و ارزش‌گذاری مثبت دیگران قرار می‌گیرد. در نتیجه این نگرش مثبت به خود و دیگران، که از مشخصه‌های افراد با دلبستگی ایمن است، باعث افزایش حرمت خود آنان می‌شود. افراد با چنین ویژگی‌هایی توانایی سازگاری و کنار آمدن با محیط یا تغییر محیط اطراف (اعم از محیط خانه و محیط اجتماعی) را برای رفع نیازها و رسیدن به هدف مطلوب و همچنین توانایی برقراری هماهنگی میان احساسات، فعالیت‌ها و افکار، افزایش شناخت هیجان‌ات خود و کنترل آن را دارند که به ارتقای سازگاری در ابعاد گوناگون منجر می‌شود.

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد سبک‌های دلبستگی با ابعاد سازگاری روان‌شناختی نوجوانی رابطه مستقیم و معنادار دارد. علاوه بر این رابطه مستقیم و معنادار بین دلبستگی به مادر و دلبستگی به همسالان و حرمت خود نوجوان

منابع

- آقاپورحصیری، ف. (۱۳۹۳). *ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سازگاری و رابطه آن با هوش هیجانی دختران دبیرستانی شهر بابل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری روان‌سنجی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. افشاریان، ن. و کدیور، پ. (۱۳۹۵). نقش دلبستگی به والدین و همسالان و از خودبیگانگی روانی در پیش‌بینی رفتار خرابکارانه نوجوانان. *پژوهش‌های نوین تربیتی*، ۱۲ (۱)، ۷۸-۶۱.
- برقی‌ایرانی، ز.، بختی، م. و بگیانکوله‌مرز، م. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر پردازش شناختی بر بهزیستی اجتماعی، هیجانی، روان‌شناختی و کاهش نشانه‌های کودکان اختلال سلوک. *دوفصلنامه علمی پژوهشی شناخت اجتماعی*، ۱ (۳)، ۱۷۶-۱۵۷.
- دلاور، ع (۱۳۷۳). *ساخت و هنجاریابی مقیاس سازگاری بل*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- رجبی، غ. و بهلول، ن. (۱۳۸۶). سنجش پایایی و روایی مقیاس حرمت خود روزنبرگ در دانشجویان سال اول دانشگاه شهید چمران. *مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان*، ۳، ۴۸-۳۳.
- صفایی، ص.، بیگدلی، ا. و طالع‌پسند، س. (۱۳۹۰). رابطه خودپنداره مادر با سبک‌های دلبستگی و خودپنداره فرزند. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱ (۲)، ۵۲-۳۹.
- طولابی، س.، گراوند، ف.، شکری، ا. و افضل، م. (۱۳۹۲). نسخه فارسی فهرست پنج عامل بزرگ شخصیت: ساختار عاملی، روایی و اعتبار. *دوفصلنامه روان‌شناسی معاصر*، ۳ (۲)، ۲۵-۱۲.
- عمرانیان، م. و شیخ‌الاسلامی، ر. (۱۳۹۱). نقش سبک‌های دلبستگی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان با توجه به وضعیت اشتغال مادر. *زن در فرهنگ و هنر*، ۴ (۲)، ۶۱-۴۵.
- گنجی، ط.، تعاونی، س.، احدی، م. و حسینی، ف. (۱۳۸۷). مقایسه رفتارهای دلبستگی مادر و جنین در زنان نخست‌حامله و با سابقه مرگ جنین یا نوزاد. *فصلنامه پرستاری ایران*، ۲۱ (۵۳)، ۳۱-۱۵.
- مرادی، م.، حسین چاری، م.، سلیمانی، ع. و دهقانی‌زاده، م. (۱۳۹۱). پیش‌بینی ابعاد بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان بر اساس ابعاد سبک دلبستگی و حرمت خود. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۰ (۲۰)، ۱۷۴-۱۳۷.
- محمدی، م.، جزایری، ع.، رفیعی، ا.، جوکار، ب. و پورشهباز، ع. (۱۳۸۴). بررسی متغیرهای خانوادگی و فردی در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد. *مجله توان‌بخشی*، ۶ (۱)، ۳۶-۳۱.

وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت دلبستگی اولیه و پیوند عمیق عاطفی و هیجانی بین والد و کودک اهمیت بسیار دارد و علاوه بر این در سن نوجوانی دلبستگی به همسال نیز اهمیت ویژه می‌یابد. در واقع هرچه رابطه بین والد و کودک عمیق‌تر باشد و به‌موقع نیازهای کودک برآورده شود، این دلبستگی عمیق‌تر می‌شود و دلبستگی ایمن شکل می‌گیرد و باعث حرمت خود و سازگاری روان‌شناختی نوجوان می‌شود. چنین نوجوانی به‌خوبی قادر است با انطباق متوالی خود با تغییرات پیرامونش و ایجاد ارتباط بین خود و محیط به حداکثر خویشتن‌سازی برسد و از رفاه اجتماعی برخوردار شود. همچنین این پژوهش نشان داد که حرمت خود بالا با سازگار بودن افراد رابطه مستقیم دارد و همین‌طور حرمت خود نقش واسطه‌ای مؤثر در رابطه بین دلبستگی و سازگاری روان‌شناختی دارد.

با توجه به اینکه نمونه این پژوهش از جامعه نوجوانان انتخاب شده، محدودیت‌هایی در زمینه تعمیم یافته‌ها به دیگر سنین وجود دارد. بر این اساس بررسی همین مدل در گروه سنی دبستان و سنین کودکی پیشنهاد می‌شود. همچنین در این پژوهش مجالی برای بررسی سایر عوامل مانند مهارت حل مسئله نبود که در کنار سبک دلبستگی و حرمت خود بر سازگاری روان‌شناختی اثر می‌گذارد. بنابراین در پژوهش‌های آتی بررسی سایر عوامل برای شناخت جامع روابط بین متغیرهای پژوهش پیشنهاد می‌شود. در نهایت با توجه به تهدیدها و فرصت‌های جدی در دوره کودکی و نوجوانی و اینکه هر گونه اختلال اثرات دیرپایی در زندگی فرد به جا می‌گذارد، پرداختن به شیوه‌های مدیریت روابط با فرزندان با هدف ایجاد دلبستگی ایمن در فرزندان و همچنین توجه به متغیرهایی مانند حرمت خود سالم، که تضمین‌کننده سلامت روانی کودکان و نوجوانان است، اهمیت ویژه دارد؛ زیرا علاوه بر اثر انواع دلبستگی بر ابعاد سازگاری نوجوانان، توجه به انواع سازگاری حاصل از افزایش حرمت خود نیز مهم و یادآور این نکته است که توجه به دلبستگی توأم با افزایش حرمت خود باعث حفظ سلامت روان نوجوانان و سازگاری مطلوب‌تر آنان است و پیشنهاد می‌شود در روش‌های تربیتی مراقب اصلی تقویت حرمت خود علاوه بر عوامل دیگر تربیتی به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد.

- emotional intelligence and communication. *Medical Education*, 47(3), 317-325.
- Coopersmith, S. (1967). *The antecedents of self-esteem*. San Francisco, freeman. Self-esteem. IOWA State University, University Extension.
- Cottrell, J. L. (1992). The relation of attachment and supports to adolescent well-being and school adjustment. *Journal of Adolescence Research*, 7, 28-42.
- Delaney, M. D. (2016). Effects of acculturation gap and attachment style on south Asian adolescent well-being. *Walden dissertation and doctoral studies*.
- Feeney, J.A., & Noller, P. (1996). Attachment style as a predictor of adult Romantic Relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 282- 292.
- Gang Nie, Y., Bin Li, J., Vazsonyi, A. T. (2016). Self-control mediates the associations between parental attachment and prosocial behavior among Chinese adolescents.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2008). *Family therapy: An overview (7th ed.)*. Belmont, CA: Thomson Brooks/Cole.
- Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence; why it can matter more than IQ*. New York: Bantam Books.
- Greenberg, G. Y. (2002). The effect of relationship enhancement program on marital communication and self-esteem. *Journal of Applied Social Sciences*, 5, 1378- 1394.
- Gullone, E., Robinson, K. (2005). The inventory of parent and peer attachment revised (IPPA-R) for children: A psychometric in investigation. *Clinical Psychology Psychotherapy*, 12, 67-79.
- Harter, S. (1990). Issues in the assessment of the self-concept of children and adolescents. In A. LaGreca (Ed.), *Through the eyes of a child*. Boston: Allyn & Bacon.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42, 511- 542.
- Inderbitzen-Pisaruk, H., Clark, M. L., & Solano, C. H. (1992). Correlates of loneliness in midadolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 21(2), 151-167.
- موبدفر، ه.، آقامحمدیان، ا. و طباطبایی، م. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های دلبستگی و حرمت خود اجتماعی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۳ (۱ و ۲)، ۶۱-۷۲.
- نجاریان، ب.، عطاری، ی. و زرگر، ی. (۱۳۸۰). ساخت و اعتباریابی مقیاس کمال‌گرایی اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۲ (۳ و ۴) ۵۸-۶۹.
- محمدی، ن. (۱۳۸۴). بررسی مقدماتی اعتبار و قابلیت‌اعتماد مقیاس حرمت خود روزنبرگ. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱ (۴)، ۳۲۰-۳۱۳.
- نصرتی، م. (۱۳۸۳). *بررسی تحولی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی در نوجوانان ۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله شهرستان کامیاران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- نعمت‌طاوسی، م. و اکبرزاده‌حوری، ش. (۱۳۹۱). روی‌آورد خلقی رضایت شغلی: هسته ارزشیابی‌های خود در محیط کار. *فصلنامه علوم رفتاری*، ۶ (۲)، ۱۱۱-۱۱۸.
- هاشمی، ز. و جوکار، ب. (۱۳۹۲). مدل‌یابی علی تاب‌آوری هیجانی: نقش دلبستگی به والدین و همسالان، راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم شناختی هیجانات. *مطالعات روان‌شناختی*، ۹ (۱)، ۳۸-۹.
- Ainsworth, M. D. S. (1989). Attachments beyond infancy. *American Psychologist*, 44, 709-716.
- Armesden, G. C., & Greenberg, M. T. (1987). The inventory parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 16(1), 427- 453.
- Ball, J. (2005). *The moderating effect of family factors on the relationship between lifetime trauma event exposure and juvenile delinquency in a sample of male juvenile offenders*. PhD dissertation, Georgia State University.
- Bell, H. M. (1961). *The adjustment inventory: adult form*. Palo Alto: Consulting Psychological Press.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss: Loss sadness and depression*. New York: Basic Books.
- Burnette, J. L., & Klementer, R. (2004). Attachment and trait forgiveness: The mediating role of angry rumination, *Journal of Counseling & Development*, 8, 312-320.
- Cherry, M. G., Fletcher, O., & O'sullivan, H. (2013). Exploring the relationships among attachment,

- McMillan, J. H., & Heren, S. (2008). Educational research: Fundamentals for the consumer (4th Ed.). Boston: *Pearson Publishers*.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change*. New York: Guilford Press.
- Novilla, M. L., Barnes, M. D., De La Cruz, N. G., Williams, P. N., & Rogers, J. (2006). Public health perspective on the family: An ecological approach to promoting health in the family and community. *Fam Community Health, 29*, 28-42.
- Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent self-image*. NJ: Princeton University Press.
- Rubin, K. H., Dwyer, K. M., Booth-LaForce, C., Kim, A. H., Burgess, K. B., & Rose Krasnor, L. (2004). Attachment, friendship, and psychosocial functioning in early adolescence. *Journal of Early Adolescence, 24*, 326-56.
- Taylor, S. E., & Brown, J. D. (1988). Illusion and well-being: A social psychological perspective on mental health. *Psychological Bulletin, 103*, 193-210.
- Verschueren, K., & Marcoen, A. (2002). Perceptions of self and relationship with parents in aggressive and no aggressive rejected children. *Journal of School Psychology, 40*, 501-22.
- Wong, S. S. (2012). Negative thinking versus positive thinking in a Singaporean student sample: relationships with psychological well being and psychological maladjustment. *Learning and Individual Differences, 4*, 76-82.
- Woodward, M., Patton, S. C., Olsen, S. A., Jones, J. M., Reich, C. M., Blackwel, M., & Beck, J. G. (2013). How do attachment style and social support contribute to women's psychopathology following intimate partner violence? *Journal of Anxiety Disorders, 27*(3), 312-320.
- Kim, K. & Rohner, R. P. (2008). Parental warmth, control, and involvement are schooling predicting academic achievement among Korean American adolescents. *Journal of Cross- Cultural Psychology, 33*, 127- 140.
- Kline, R. B. (2015). *Principles and practices of structural equation modeling* (4nd Eds.). NewYork: Guilford Press.
- Laible, D. J., Carlo, G., & Raffaelli, M. (2017). The differential relations of parent and peer attachment to adolescent adjustment, *Journal of Youth and Adolescence, 29*, 45-59.
- Laible, D. J., Carlo, G., & Roesch, S. C. (2017). Pathways to self-esteem in late adolescence: the role of parent and peer attachment, empathy, and social behaviors. *Journal of Adolescence, 27*(6), 703-716.
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In P. Mussen (Ed.), *Handbook of Child Psychology*, (pp. 1-101). New York: Wiley.
- Mahalik, J. R., Levine Coley, R., McPherran Lombardi, C., Doyle Lynch, A., Markowitz, A. J., & Jaffee, S. R. (2013). Changes in health risk behaviors for males and females from early adolescence through early adulthood. *Health Psychology, 32*(6), 685.
- Mann, M., Hosman, C. M., Schaalma, H. P., & de Vries, N. K. (2004). Self-esteem in a broad-spectrum approach for mental health promotion. *Health Education Research, 19*(4), 357-372.
- Mccarthy, G. (1999). Attachment style and adult love relationships and friendships difficulties. *British Journal of Medical Psychology, 72*(3), 305-321.
- McCurby, B. A., & Kelly, D. B. (1997). Correlations of the MMPI-2 low self-esteem scale with two self-esteem measures. *Psychological Reports, 81*, 826.

